

بررسی عوامل جمعیتی و اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر امید به آینده در شهر تهران^۱

عادل عبدالحی*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۵)

چکیده

بررسی عواملی که منجر به افزایش و یا کاهش امید به آینده در جامعه می شود حائز اهمیت است. مقاله حاضر به بررسی عوامل جمعیتی و اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر امید به آینده در شهر تهران می پردازد. حجم نمونه این مطالعه متشکل از ۱۲۰۰ نفر متأهل ساکن شهر تهران (۶۱۰ نفر زن و ۵۹۰ نفر مرد) است. داده ها با استفاده از پرسشنامه و روش نمونه گیری چند مرحله ای طبقه بندی با تخصیص متناسب، در نیمه دوم سال ۱۳۹۵ گردآوری شدند. نتایج نشان داد که امید به آینده پاسخگویان با افزایش سن و تعداد فرزندان آنها و همچنین با افزایش احساس ناامنی اقتصادی- اجتماعی و احساس ناامنی روانی کاهش می یابد؛ از طرفی، با افزایش اعتماد سازمانی، تعداد سال های تحصیل و اعتماد عمومی پاسخگویان، امید به آینده افزایش می یابد. این نتایج بیان گر آن است که بستر اقتصادی- اجتماعی و روانی مناسبی برای تحقق انتظارات پاسخگویان، به ویژه برای افراد تحصیل کرده و دارای فرزند، وجود ندارد؛ لذا امید به آینده آنها کاهش یافته است. بنابراین، جامعه ای که از امنیت اقتصادی- اجتماعی و امنیت روانی لازم برخوردار نباشد باید در کیفیت و پایداری پدیده های جمعیتی آن تردید کرد و برآیند کلی این شرایط می تواند منحرف شدن رفتارهای جمعیتی از حالت متعادل و به دنبال آن پروبلماتیک شدن سطح کمی و کیفی متابولیسیم جمعیتی باشد.

کلیدواژه ها: امید به آینده، اعتماد سازمانی، اعتماد عمومی، احساس ناامنی، خانواده های تهرانی.

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «عوامل جمعیتی و اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر امید به آینده در شهر تهران» (ابلاغ شماره ۲۱/۲۶۸۴۵ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۴) است که با حمایت مالی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور طی سال های ۱۳۹۷-۱۳۹۸ انجام شده است.
* استادیار جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، گروه اقتصاد جمعیت و سرمایه انسانی، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

مقدمه

امید به آینده با جهت‌گیری ذهنی و نگرشی شهروندان نسبت به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند ارتباط قابل توجهی دارد. به این معنا که برداشت و تلقی مثبت از شرایط جامعه می‌تواند به شکل‌گیری امید به آینده و قرار گرفتن تغییرات اجتماعی و اقتصادی در یک مسیر متعادل کمک کند و عکس این حالت نیز پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مختلفی را به دنبال دارد. قرار گرفتن تغییرات جمعیتی، به مثابه بخشی از تغییرات اجتماعی، در یک مسیر متعادل از جمله ضرورت‌ها و نیازهای اساسی هر جامعه‌ای است که فقدان آن می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد. مقوله نظم و کارکردی شدن تغییرات در جامعه از مهم‌ترین مباحثی هستند که مورد توجه جامعه‌شناسان مکتب کارکردگرایی قرار گرفته است (ریتزر، ۱۳۸۰؛ سیدمن^۱، ۱۳۸۶؛ توسلی، ۱۳۸۷).

رفتارهای مختلف جمعیتی، از قبیل فرزندآوری و مهاجرت، از جمله کنش‌ها و واکنش‌هایی هستند که عمدتاً متأثر از تغییرات ساختاری در سطح کلان جامعه هستند (ون‌دکا^۲، ۲۰۰۲؛ لستهاق^۳، ۲۰۱۰) و نحوه برداشت و تلقی افراد از شرایطی که پیش‌روی آن‌ها قرار دارد می‌تواند بر کمیت و کیفیت چنین رفتارهایی تأثیرگذار باشد. بنابراین، اگر تغییرات ساختاری به گونه‌ای باشد که منجر به شکل‌گیری پنداشت و احساس مثبت در بین افراد جامعه شود اثرات آن را می‌توان در هنجارمند شدن رفتارهای جمعیتی مشاهده نمود. به تعبیری دیگر، امیدواری افراد نسبت به آینده مشروط به بهبود شرایط عمومی جامعه است و در چنین شرایطی است که می‌توان انتظار داشت تغییرات جمعیتی سطح و روندی هنجارمند را طی کند و زمینه‌های محقق شدن پویایی و بالندگی جمعیت فراهم شود.

یافته‌های سنجش سرمایه اجتماعی در سال ۱۳۹۳ بیان‌گر آن است که تنها حدود ۲۴ درصد از مردم ایران آینده را بهتر ارزیابی می‌کنند و حدود ۷۶ درصد از مردم معتقدند که آینده بدتر می‌شود یا فرقی نمی‌کند (غفاری، ۱۳۹۳). همچنین بر اساس رتبه‌بندی صورت گرفته در گزارش «آینده پژوهی ایران» در سال ۱۳۹۶، هفت مسأله اول ایران عبارتند از: ضرورت اصلاحات ساختاری اقتصادی، بحران تأمین آب، بیکاری، فساد سیستمی، ناامیدی درباره آینده، سرمایه

-
1. Steven Seidman
 2. Van de Kaa
 3. Ron Lesthaeghe

اجتماعی و اعتماد عمومی و بحران ریزگردها (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۶: ۲۱۷). بر اساس این گزارش «نامیدی درباره آینده» نه تنها به فهرست مسائل اجتماعی کشور افزوده شده، که در بین هفت مسأله اول ایران رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است. در این جا مسأله حائز اهمیت این است که چه تغییراتی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی ایران رخ داده است که امروزه «نامیدی درباره آینده» به یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی کشور تبدیل شده است؟ در خصوص تهران نیز یافته‌های طرح ملی سرمایه اجتماعی ۱۳۹۳ نشان می‌دهد که این کلان‌شهر رتبه نهم را به خود اختصاص داده است که با توجه به تغییرات قابل توجه متغیرهای عینی در این شهر شکل‌گیری چنین وضعیتی حکایت از نامیدی بیشتر مردم نسبت به آینده خود، به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل ایجاد فشار روانی بر توده مردم، در مقایسه با مردم سایر شهرهای ایران دارد. بنابراین، به‌نظر می‌رسد که تغییر در نگرش مردم نسبت به آینده نه تنها به یک واقعیت اجتماعی تبدیل شده است که ماهیتی چالشی و آسیب‌زا به خود گرفته است و در صورتی که چشم‌اندازهای پیش‌روی مردم نویدبخش تغییراتی مثبت نباشد پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نگران‌کننده‌ای را برای جامعه به دنبال دارد. به پیروی از نظریه پردازان مکتب اشاعه فرهنگی (روح‌الامینی، ۱۳۷۹) که بر اهمیت انتشار پدیده‌های اجتماعی اثرگذاری ارتباطات اجتماعی بر تغییر نگرش‌ها و الگوهای رفتاری اشاره دارند، می‌توان گفت که تغییرات امید به آینده در بین شهروندان تهرانی بر جهت‌گیری ذهنی و به تبع آن امید به آینده سایر نقاط شهری و روستایی ایران اثرگذار است و کاهش میزان امید به آینده در تهران، می‌تواند تغییر الگوهای رفتاری و پیامدهای متعدد، و احتمالاً منفی، را برای جامعه ایران به همراه داشته باشد.^۱

علی‌رغم اهمیت پژوهش درباره امید به آینده و پایش آن در جامعه، تحقیقات دانشگاهی و میدانی اندکی در خصوص امید به آینده و وضعیت آن در جامعه ایران صورت گرفته است. از آن‌جا که، امید به آینده مقوله‌ای بسترمند و زمان‌مند است در بین گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه یکسان نیست و گروه‌های مختلف با توجه به موقعیت و شرایطی که در آن قرار دارند از میزان امید به آینده متفاوتی برخوردارند. در این خصوص، نتایج مطالعات صورت‌گرفته حکایت از متفاوت بودن امید به آینده در بین زنان و مردان و گروه‌های سنی مختلف دارد (علیزاده اقدم،

۱. برای مثال کاهش امید به آینده در تهران می‌تواند منجر به تغییر در ایده‌آل‌های فرزندآوری و کاهش تعداد فرزندان در بین خانواده‌ها شود.

۱۳۹۱؛ افشانی و جعفری، ۱۳۹۵؛ صفری شالی و طوفانی، ۱۳۹۷). همچنین نتایج مطالعه مردانی فر (۱۳۹۸) نشان می‌دهد افرادی که از اعتماد و مشارکت اجتماعی بالاتری دارند از امید به آینده بالاتری برخوردارند (مردانی فر، ۱۳۹۸). نتایج مطالعات مذکور مؤید این واقعیت است که افراد دارای تجربه زیسته متفاوت از امید به آینده متفاوتی برخوردارند؛ بدین معنا که افراد سالمند با توجه به رخدادها و وقایعی که در طول زمان تجربه کرده‌اند آینده خود را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. نویدبخش بودن آینده‌های احتمالی می‌تواند امیدواری نسل جوان را به دنبال داشته باشد. کمیت و کیفیت تحقق امیال و آرزوهای زنان، تعیین‌کننده درجه امیدواری آن‌ها به آینده است. به همین منوال، دیگر متغیرهای جمعیتی و اجتماعی، مثل تحصیلات و تعداد فرزندان، که پایگاه اقتصادی-اجتماعی، تجارب زیسته و انتظارات متفاوتی را رقم می‌زنند بر نحوه جهت‌گیری و ارزیابی افراد از آینده اثر می‌گذارند. بنابراین، بررسی میزان امید به آینده و عوامل مؤثر بر آن از جمله موضوعاتی است که در شرایط حاکم بر جامعه ایران، به‌ویژه شهر تهران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نتایج چنین مطالعه‌ای می‌تواند در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی، به‌طور عام، و سیاست‌گذاران و پژوهشگران حوزه جمعیت، به‌طور خاص، مدنظر قرار گیرد. از این‌رو، مطالعه حاضر درصدد شناسایی عواملی است که منجر به افزایش و یا کاهش امید به آینده در بین گروه‌های مختلف اجتماعی می‌شود.

چارچوب نظری

رویکرد نظری در این مقاله بر این استدلال استوار است که در تحلیل پدیده‌های اجتماعی، به‌ویژه پدیده امید و یا ناامیدی، باید رویکردی تاریخی و کل‌گرایانه اتخاذ کرد و بر پایه چنین استدلالی است که می‌توان گفت تجربه زیسته افراد و پنداشت عمومی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و روانی حاکم بر جامعه می‌تواند بر افزایش و یا کاهش امید به آینده اثرگذار باشد. به همین منوال می‌توان گفت که تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه بر تجربه زیسته مردم، رفتارهای اقتصادی و اجتماعی و همچنین قرار گرفتن تغییرات اجتماعی در یک مسیر طبیعی، و به نوعی قابل کنترل، اثرگذار است. تاریخ تحولات اجتماعی در ایران نشان می‌دهد که همواره قدرتی بیرونی مانع ایجاد یک نظم درون‌زا و متعادل در جامعه شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۱؛ قاضی‌مرادی، ۱۳۷۱؛ علمداری، ۱۳۷۹؛ اشرف، ۱۳۵۹). در این رابطه، مرور تحولات جمعیتی در ایران نشان

می‌دهد که پدیده‌های جمعیتی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و همواره عواملی بیرونی مانع پیروی این پدیده‌ها از یک نظم درون‌زا و متعادل شده‌اند. برای مثال می‌توان به تغییرات پی‌درپی در سیاست‌های جمعیتی، به مثابه عاملی بیرونی، اشاره کرد که این تغییرات همواره مانع از شکل‌گیری یک نظم منطقی و درونی در تغییرات جمعیتی شده‌اند. در نتیجه، تغییرات جمعیتی به مرور زمان از پدیده‌ای اجتماعی، با روندی نسبتاً طبیعی، به یک مسأله اجتماعی، با روندی نسبتاً پیچیده، تبدیل شده است. ظهور مسائل جمعیتی از قبیل کاهش سریع نرخ باروری، برهم خوردن موازنه مهاجرت‌های داخلی و خارجی، رشد سریع و نامتوازن شهرنشینی، مسایل پیش‌روی سالخوردگی جمعیت و همچنین افزایش و ناهمگونی زنان سرپرست خانوار بیان‌گر دور شدن تغییرات جمعیتی از نظم‌ی درونی و طبیعی است.

در شرایطی که جامعه ایران در آن قرار دارد تا زمانی که تغییرات جمعیتی و الزامات کارکردی آن در مسیر منطقی خود قرار نگیرد نمی‌توان از جمعیت جوان کشور، که از تحصیلات نسبتاً بالایی برخوردار است، در راستاری پایداری جمعیت و دستیابی به یک توسعه پایدار استفاده کرد. استفاده از ظرفیت‌های موجود در ساختار جمعیت جوان کشور می‌تواند منجر به ارتقای سطح کمی و کیفی متابولیسم جمعیتی شود. متابولیسم جمعیتی و نقش نسل‌های مختلف در تغییرات اجتماعی توسط جمعیت‌شناسانی مثل رایدر^۱ (۱۹۶۵) مورد تأکید قرار گرفته است. رایدر معتقد است از آن‌جا که نسل‌های مختلف، به‌ویژه نسل جوان، تجارب متفاوتی از فرایند اجتماعی شدن، رخدادهای تاریخی و همچنین نظام آموزشی دارند از یکدیگر متمایزند و به‌واسطه تمایزات کارکردی که دارند نقش‌های متفاوتی را در متابولیسم جمعیتی ایفا می‌کنند. از رویکرد رایدر می‌توان چنین استنباط نمود که استفاده هدفمند از لایه‌های مختلف جمعیت، به‌ویژه جمعیت جوان به‌عنوان موتور محرکه تحولات اقتصادی و اجتماعی، می‌تواند پایداری و ارتقای کیفیت در متابولیسم جمعیتی و به نوعی فعل و انفعالات جمعیت را به‌دنبال داشته باشد.

دور شدن تغییرات جمعیتی از یک نظم درون‌زا و منطقی در کنار فقدان هماهنگی کارکردی بین نهادهای مختلف، از جمله نهاد سیاست و اقتصاد، می‌تواند زمینه‌های بروز مسائلی مثل ناهنجاری در تحرک اجتماعی، ناسازگاری پایگاهی^۲ و به‌دنبال آن انزوای اجتماعی را در بین

1. Ryder

2. Status Inconsistency

گروه‌های مختلف از قبیل زنان، جوانان و سالمندان فراهم کند. نیل اسملسر^۱ معتقد است که در کنار تفکیک کارکردی نهادهای جامعه و تمایز ساختی، ضروری است که نوعی هماهنگی کارکردی رخ دهد تا ساخت‌های متمایز شده را وحدت بخشد. نظریه‌پردازان کلاسیک نیز همچون دورکیم معتقدند که مدرنیته با وجود از هم گسستن پیوندهای قدیمی، در نهایت به نوعی همبستگی جدید و ساختمندی منجر می‌شود (دورکیم، ۱۳۶۹: ۳۸۹ به نقل از صفری، ۱۳۹۰: ۷۰). مطالعات مختلف دلالت بر آن دارد که عدم هماهنگی کارکردی در ایران منجر به ناهمگون شدن جامعه شده است. ناهمگونی که ارتباطی دیالکتیکی و دوسویه با امید به آینده در بین طبقات مختلف جامعه دارد.

عنوان شد که فرایند تغییرات و رخداد‌های اجتماعی در ایران دلالت بر عدم هماهنگی کارکردی، عدم نظم درون‌زا و تداوم تاریخی در ایران دارد. این فرایند یادآور نوعی ناهمگونی زمانی و مکانی است که در نظریه‌ی آشفتگی^۲ بر آن تأکید شده است. ناهمگونی زمانی دلالت بر عدم پیوستگی و استمرار تاریخی در ایران دارد و ناهمگونی مکانی نیز دلالت بر توزیع ناموزون طبقات اجتماعی دارد^۳. یکی از خواص سیستم‌های آشفته^۴ غیر خطی بودن رابطه میان متغیرهاست. یکی از معانی جامعه‌شناختی و آماری این پدیده می‌تواند این باشد که تحلیل رگرسیونی مبتنی بر آر پیرسون در چنین جوامعی سطح پایی از واریانس تبیین شده را به محقق می‌دهد^۵ (استروپ، ۱۹۹۷: ۱۳۰ به نقل از صفری، ۱۳۹۰: ۶۶). غیرخطی بودن رابطه میان متغیرها بیانی دیگر از ساختمند نبودن تغییرات در یک جامعه است. بر اساس نظریه آشفتگی، ساختمندی مانع بروز مسائلی مثل ناسازگاری پایگاهی در جامعه می‌شود. نتیجه منطقی چنین ویژگی آن

1. Neil Smelser

2. Chaos Theory

۳. در نظریه آشفتگی آمده است که اگر وضعیت سیستمی در دو نقطه زمانی بسیار نزدیک به هم کاملاً متفاوت باشد آن سیستم به لحاظ زمانی آشفته است. آشفتگی زمانی فرایندی است که آشفتگی مکانی را شکل می‌دهد و به شکل موجود سیستم، در یک لحظه زمانی، اشاره دارد. در هندسه فراکتالی اشکالی که به لحاظ مکانی آشفته هستند فراکتال نامیده می‌شوند. خاصیت منحنی این اشکال آن است که یک بازه از آن‌ها را، هر اندازه هم کوچک انتخاب کنیم، نمی‌توانیم با هیچ خط راست و یا شکل ساده قبلاً تعریف شده‌ای تقریب بزنیم (صفری، ۱۳۹۰: ۶۵).

4. Chaotic Systems

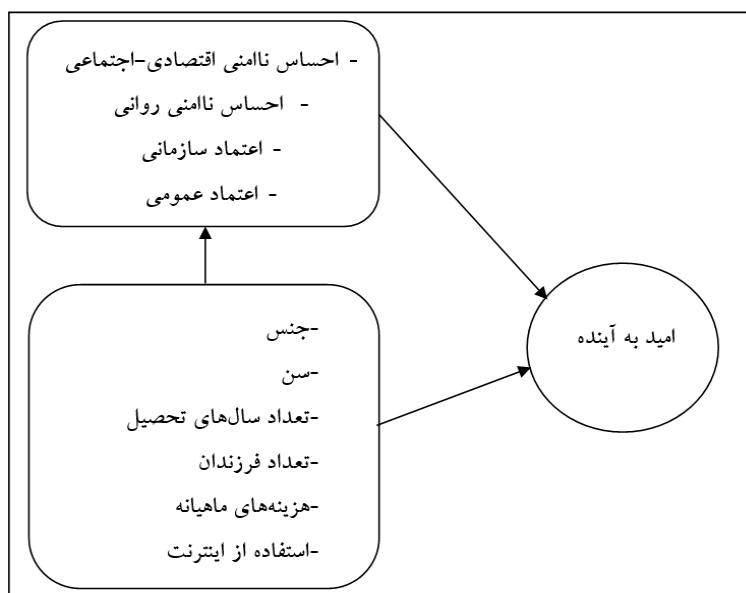
۵. بر این مبنا، آر پیرسون معیار خطی بودن در نظر گرفته می‌شود که در سیستم آشفته باید توسط تکنیک‌های دیگری جایگزین شود (صفری، ۱۳۹۰: ۶۶).

است که تغییر کوچکی در نظام اجتماعی پیامدهای بزرگ و پیش‌بینی‌ناپذیری را به بار نمی‌آورد و با هر دگرگونی سیاسی طبقات اجتماعی نیز دگرگون نمی‌شوند (همان: ۷۲). به عبارتی دیگر، انسجام و یکپارچگی جامعه منجر به هماهنگی و تعادل ساختاری می‌شود و در چنین شرایطی است که کنشگران امکان پیش‌بینی تغییرات پیش‌رو و چشم‌اندازهای احتمالی را دارند. چشم‌اندازهایی که کنشگران بر مبنای تغییرات ساختارمند در ذهن خود ترسیم می‌کنند.

می‌توان از ویژگی‌های پیش‌بینی‌ناپذیری و ساختارمند نبودن، که در نظریه آشفتگی به‌عنوان ویژگی‌های اصلی جوامع ناهمگون مورد تأکید قرار گرفته‌اند، در پیش‌بینی آینده‌های ممکن و تبیین امید به آینده توسط کنشگران استفاده کرد. بر اساس این نظریه، هر چقدر امکان پیش‌بینی شرایط جدید برای افراد بیشتر باشد میزان سازگار شدن با شرایط پیش‌رو و به نوعی امید به آینده آن‌ها بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر، هر چقدر تصور و پیش‌بینی افراد از آینده مشکل‌تر، سخت‌تر و به نوعی مبهم‌تر باشد آمادگی آن‌ها برای سازگاری با آینده‌های احتمالی مشکل‌تر خواهد شد. بنابراین، وقتی که امید به آینده افزایش یابد ناهنجاری‌ها و عدم تعادلات موجود در پدیده‌های جمعیتی، که مصادیق آن بیشتر ذکر شد، به سمت نوعی هنجارمندی و همگون شدن تغییر جهت می‌دهند. چرا که با افزایش امید به آینده میل افراد به فرزندآوری بیشتر می‌شود، نرخ مهاجرت‌های خارجی روندی کاهشی به خود می‌گیرد و این امر به نوبه خود به ایجاد موازنه در روندهای مهاجرتی کمک می‌کند، احساس انزوای اجتماعی در بین گروه‌های مختلف از قبیل زنان، جوانان و سالمندان کاهش می‌یابد و برابند کلی این تغییرات می‌تواند بازگشت رفتارهای جمعیتی به نظم طبیعی و منطقی خود و به دنبال آن ارتقای سطح کمی و کیفی متابولیسم جمعیتی باشد. آنچه که در خلال رویکردهای نظری و استدلال‌های نظری مطرح شده در این پژوهش آمد می‌توان گفت که امید به آینده ارتباط وثیقی با وضعیت اعتماد عمومی، اعتماد سازمانی و عواملی دیگر از قبیل احساس ناامنی اقتصادی- اجتماعی و احساس ناامنی روانی دارند. به عبارتی دیگر با وقوع تغییراتی محسوس در عوامل مذکور، می‌توان اثرات تغییرات رخ داده را در میزان امیدواری افراد نسبت به آینده مشاهده نمود و با افزایش و یا کاهش این عوامل، میزان امیدواری افراد به آینده نیز تغییر می‌کند. از این‌رو، مدل نظری عوامل جمعیتی و اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر امید به آینده در شهر تهران به صورت زیر تدوین شده است. بر اساس آنچه گفته شد، فرضیه‌های این مطالعه عبارتند از: ۱. با افزایش احساس ناامنی اقتصادی- اجتماعی امید به آینده

در شهر تهران کاهش می‌یابد؛ ۲. با افزایش احساس ناامنی روانی امید به آینده در شهر تهران کاهش می‌یابد؛ ۳. با افزایش اعتماد سازمانی امید به آینده در شهر تهران افزایش می‌یابد؛ ۴. با افزایش اعتماد عمومی امید به آینده در شهر تهران افزایش می‌یابد؛ ۵. با افزایش استفاده از اینترنت امید به آینده در شهر تهران افزایش می‌یابد؛ ۶. امید به آینده در شهر تهران بر حسب ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان مانند جنس، سن و... متفاوت و معنی‌دار است.

نمودار ۱: مدل نظری تحقیق (عوامل جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر امید به آینده در شهر تهران)



پیشینه تحقیق

عمده مطالعات صورت گرفته درباره امید به آینده و امید اجتماعی در حوزه‌های فلسفه و علوم اجتماعی غربی و به دنبال تجربه جنگ جهانی، در دهه‌های میانی قرن بیستم، انجام شده‌اند. گسترش رخدادهای خشونت‌بار و فروپاشی‌های اجتماعی فاجعه‌بار جوامع غربی را به این درک مشترک رساند که مدرنیته باعث به‌وجود آمدن سلاح‌های کشتار جمعی شده است. در چنین بستری مسأله امید و ناامیدی به‌عنوان نگرانی عمومی و جهانی مطرح می‌شود. از این‌رو، برای

اندیشمندانی مثل ویکتور فرانکل^۱ (۱۹۸۵)، اریک فروم^۲ (۱۹۶۸) و ارنست بلوخ^۳ (۱۹۸۶) مفهوم امید موضوعی بود که ضرورت وجودی مباحث آن‌ها را نمایان می‌ساخت. در این دوره، تجزیه و تحلیل امید به یک گفتمان آرمان‌شهرگرایانه گره می‌خورد که با اعتقاد به تحقق چشم‌اندازهایی نظیر پیشرفت اجتماعی، آزادی‌های فردی و تعالی اجتماعی حاصل می‌شود که از طریق اقدامات جمعی و تغییر در شرایط مادی حاصل می‌شود (پیترسون^۴ و ویلکینسون^۵، ۲۰۱۵). مرور ادبیات نظری و تجربی مرتبط با امید نشان داد که در حوزه جامعه‌شناسی عمدتاً مسأله امید به عنوان یک مسئله اخلاقی و انتقادی مطرح شده است. در علم اقتصاد نیز مفهوم امید و ارتباط آن با فقر و تحقق آرزوها مورد بررسی قرار گرفته است (لیبرت^۶ و وایدیک^۷: ۲۰۱۸).

در سال ۱۹۸۲، دو محقق به نام‌های جورج کلینگ^۸ و جیمز ویلسون^۹ مقاله‌ای با عنوان «پنجره‌های شکسته»^{۱۰} در ماهنامه آتلانتیک به چاپ رساندند که مورد استقبال بسیاری قرار گرفت و پایه اصلی نظریه پنجره‌های شکسته را فراهم کرد. این نظریه نخست در جرم‌شناسی ابداع شد، و به مرور در حوزه‌های دیگر علوم انسانی نیز نفوذ کرد^{۱۱}. در این نظریه مفروض است که «تصاویر ناپسند و موقعیت‌های رها شده موجب بروز، تکرار و تشدید کردارهای نامطلوب می‌شود». بر این اساس هم پنجره‌ها در ایران شکسته است، یعنی وجود تصاویر ناپسند محقق شده است، و هم از نظر مردم موقعیت رها شده است؛ یعنی امیدی به ترمیم پنجره‌های شکسته شده وجود ندارد. آنچه در این جا حائز اهمیت است و «مهم‌ترین پنجره شکسته» محسوب می‌شود نه کمبود سرمایه اجتماعی، که ناتوانی در ترمیم پنجره‌های شکسته و به تبع آن، ناامید شدن جامعه از تغییرات مثبت و بنابراین کاهش انگیزه جامعه برای ترمیم همان پنجره‌هاست (امیر، ۱۳۹۵).

1. Victor Frankl
2. Erich Fromm
3. Ernst Bloch
4. Peterson
5. Wilkinson
6. Lybbert
7. Wydick
8. George Kelling
9. James Wilson
10. Broken Windows Theory

۱۱. برای مثال در جامعه‌شناسی توسعه چنین عنوان می‌شود که تصویر یک ملت از توانایی‌های خود و توفیق و شکست‌هایش می‌تواند زمینه توفیق و شکست‌های بعدی را فراهم کند.

۹-۱۰). در همین رابطه جاریمویز^۱ و بارتال^۲ (۲۰۰۶) اذعان دارند جوامعی که دچار چالش‌های کلان هستند یک نوع ترس و استرس جمعی، که منجر به ناامیدی می‌شود، بر جامعه سایه می‌افکند. در همین رابطه، در پیمایش سرمایه اجتماعی (غفاری، ۱۳۹۳) یکی از شاخص‌های سنجش توفیق حکمرانی در ایران ناظر به «پنداشت جامعه از عملکرد نظام در رفع و حل مشکلات» است. نتایج این پیمایش نشان می‌دهد که نزدیک به دوسوم (۶۴/۲ درصد) جامعه ایران بر این باورند که توفیق نظام در حل مشکلات کم و خیلی کم است. برآیند چنین شرایطی کاهش اعتماد سازمانی و نهادی و به دنبال آن کاهش امید به آینده در جامعه است. مفهوم اعتماد یکی از متغیرهای کلیدی در شاخص سرمایه اجتماعی است که مورد توجه پژوهش‌های علوم اجتماعی است. از نظریه عمومی سرمایه اجتماعی، می‌توان به عنوان یکی دیگر از نظریه‌های کاربردی در تبیین امید به آینده یاد کرد. به عقیده کلمن سرمایه اجتماعی نوعی از سرمایه است که مانند دیگر اشکال آن، مولد بوده و امکان دستیابی به اهداف معینی که در نبود آن دست‌نیافتنی هستند را فراهم می‌سازد. همچنین از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی موجب می‌شود تا هزینه‌های دستیابی به اهداف معین کاهش یابد. اهدافی که در نبود سرمایه اجتماعی، دستیابی به آن‌ها تنها با صرف هزینه‌های زیاد امکان‌پذیر می‌شود (همان: ۱۳۷). از این رو، انتظار می‌رود که سرمایه اجتماعی بالا، افزایش امید به آینده را در جامعه به ارمغان آورد.

سنجش نحوه ارزیابی مردم از آینده^۳، یکی از شاخص‌های بررسی شده در پیمایش تحولات فرهنگی در سال ۱۳۸۳ است. متوسط پاسخ‌های داده شده توسط پاسخگویان نشان می‌دهد که در خصوص جایگاه فرد، مردم خود را در گذشته در پله‌ی ۴/۲۰ ارزیابی کرده‌اند و اکنون در پله‌ی ۵/۶۶ ارزیابی می‌کنند و فکر می‌کنند که در آینده به ۷/۳۵ خواهند رسید. همچنین نتایج برآمده از مطرح کردن پرسش فوق در خصوص ارزیابی افراد از وضعیت گذشته و آینده کشور نشان می‌دهد که پاسخگویان پله کشور را در گذشته بالاتر از پله خودشان ارزیابی کرده‌اند و این بدان معناست که به‌طور متوسط پاسخگویان ارزیابی منفی‌تری از وضعیت خود در مورد کشور

1. Jarymowicz

2. Bar-Tal

۳. در این پیمایش در خصوص ارزیابی از آینده پرسش‌های زیر از مردم ایران پرسیده شده است: یک نردبان را فرض کنید. اگر پله اول بدترین نوع زندگی و پله دهم بهترین نوع زندگی باشد در این صورت؛ قبلاً در چه پله‌ای بودید؟ الان در چه پله‌ای هستید؟ و در آینده فکر می‌کنید به چه پله‌ای برسید؟

داشته‌اند. مقایسه نتایج پیمایش تحولات فرهنگی ۱۳۸۳ با پیمایش ۱۳۵۳، اهمیت تفسیر و ارزیابی ذهنی در زمینه فهم مسائل اجتماعی را نمایان می‌سازد. به‌طوری‌که ارزیابی مردم در سال ۱۳۵۳ نسبت به وضع گذشته‌شان بهبود بیشتری را نشان می‌دهد، حدوداً ۲ پله پیشرفت در برابر حدوداً ۱/۵ پله پیشرفت در سال ۱۳۸۳، و همچنین ارزیابی آنان در مورد آینده خودشان نیز مثبت‌تر است، حدوداً ۲ پله پیشرفت در آینده در برابر ۱/۷ پله پیشرفت در آینده برای پاسخ‌گویان سال ۱۳۸۳. این نتایج بیان‌گر آن است که ارزیابی از آینده به نوعی بازتاب ارزیابی فرد از گذشته نیز است (عبدی، ۱۳۹۵: ۱۱۵-۱۱۴).

در همین رابطه نتایج مطالعه امیرپناهی و همکارانش (۱۳۹۵) بیان‌گر این است که میانگین امید اجتماعی در بین ایرانیان برای ده سال آینده منفی و رو به کاهش است و بین ارزیابی افراد از زمان حال با ارزیابی از گذشته و آینده ارتباط معناداری وجود دارد. به‌دست آمدن چنین نتایجی دلالت بر مکان‌مندی، تاریخ‌مندی، موقعیت‌مندی، بستر‌مندی و به طور کلی نقش تجربه زیسته افراد در امید به آینده دارد و وقتی که صحبت از چنین مفاهیمی به میان می‌آید به این معناست که برای تبیین امید به آینده ضروری است که سیر تحولات و تغییرات صورت گرفته و همچنین فضای اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه را در نظر گرفت. در همین رابطه، احساس امنیت اجتماعی و اقتصادی از جمله شاخص‌هایی هستند که بر تفسیر ذهنی افراد از شرایط جامعه تأثیرگذار هستند. به این معنا که هر چه میزان نابسامانی اقتصادی، اجتماعی در جامعه بیشتر باشد، احساس امنیت و به دنبال آن امید اجتماعی کمتر است. چنین است که می‌توان از اثرگذاری عواملی مثل اعتماد سازمانی، اعتماد عمومی بر میزان امید به آینده در جامعه و از سویی دیگر ارتباط وثیق این عوامل با نحوه عملکرد نهادها و سازمان‌های عمومی سخن گفت. چرا که نحوه مدیریت یک مسأله‌ی اجتماعی در یک برهه خاص از زمان، می‌تواند اعتماد نهادی و سازمانی و به دنبال آن امید به آینده را تقویت کند و عکس این حالت نیز می‌تواند آسیب‌های جدی را متوجه اعتماد نهادی و سازمانی نماید. در شرایط کنونی جامعه ایران، گسترش فضای ارتباطی و رسانه‌ای شدن فضای عمومی بستری را فراهم نموده تا کمیت و کیفیت متغیرهایی مثل اعتماد نهادی و سازمانی بر حسب استفاده از اینترنت و مصرف رسانه تغییر کند. امروزه مصرف رسانه منجر به تغییر در اهداف، امیال و آرزوهای افراد شده است و به پیروی از نظریه کاشت^۱ می‌توان

گفت که رسانه‌ها می‌توانند نحوه مفهوم‌سازی مخاطب را از واقعیت و یقین تعریف کنند. برداشت یا فهم مخاطب از دنیای پیرامون بر آنچه در دنیای رسانه‌ها نمایش داده می‌شود مبتنی است. به عبارتی تصویر ذهنی ما را دنیای رسانه تعیین می‌کند و فهم ما از دنیای واقعی تحت تأثیر رسانه‌ها است (علیخواه و رستمی، ۱۳۸۹: ۷). بنابراین انتظار می‌رود که مصرف اینترنت بر متغیرهایی مثل اعتماد عمومی، اعتماد سازمانی و به دنبال آن امید به آینده افراد اثرگذار باشد.

روش تحقیق و داده‌ها

سؤالی که در این جا قابل طرح است این است که با چه روشی می‌توان چیرستی امید به آینده و عوامل مؤثر بر آن را در بین خانواده‌های تهران بررسی کرد. رویکرد نظری حاکم بر این مطالعه بر این استدلال استوار است که عوامل بیرونی و ساختاری حاکم بر جامعه منجر به تغییر در نگرش مردم نسبت به آینده شده است. در ادبیات روش‌شناسی نیز وقتی که محقق قائل به اثرگذاری عوامل بیرونی بر چیرستی یک واقعیت اجتماعی باشد به این معناست که محقق درصدد به‌کارگیری پارادایم اثباتی در مبانی روش‌شناسی پژوهش است. براین اساس، محقق عمدتاً با استفاده از «روش تحقیق کمی» و اصول حاکم بر آن به جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها می‌پردازد. از این‌رو، پژوهش حاضر با استفاده از رویکردی اثباتی درصدد مطالعه عوامل جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر امید به آینده در شهر تهران است. زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله و مردان متأهل ۵۹-۲۰ ساله تهرانی جامعه آماری این مطالعه را شکل می‌دهند.

بر اساس سرشماری ۱۳۹۵، ۳۲۷۹۵۸۳ نفر (۱۴/۲۱ درصد) از جمعیت شهر تهران به این گروه‌های سنی متأهل اختصاص یافته است که از این تعداد ۱۵۴۹۲۳۷ نفر زن و ۱۷۳۰۳۴۶ نفر مرد می‌باشند. برای برآورد حجم نمونه از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای طبقه‌بندی با تخصیص متناسب استفاده شد. در این پژوهش، مطالعه رفیعیان و شالی (۱۳۹۱) تحت عنوان «تحلیل فضایی سطح توسعه‌یافتگی تهران به تفکیک مناطق شهری» مبنای تصمیم‌گیری انتخاب مناطق در شهر تهران قرار گرفت. بر اساس نتایج به‌دست آمده در مطالعه مذکور، مناطق ۲۲ گانه کلان شهر تهران را می‌توان، از نظر درجه توسعه یافتگی، به دو خوشه تقسیم کرد. خوشه یکم متشکل از مناطق کم‌برخوردار و نیمه‌برخوردار است و خوشه دوم نیز متشکل از مناطق برخوردار و خیلی

برخوردار است^۱. هر یک از این خوشه‌ها به عنوان یک طبقه در نظر گرفته شد و مناطق در هر یک از این طبقات بر اساس حجم آن‌ها و به صورت متناسب انتخاب شدند. بنابراین، از خوشه اول مناطق ۲۰، ۱۸، ۱۵، ۱۴، ۱۰، ۸، ۴ و از خوشه دوم نیز مناطق ۱، ۲ و ۵ (در مجموع تعداد ۱۰ منطقه) مورد انتخاب نهایی قرار گرفتند.

در این پژوهش با در نظر گرفتن معیارهایی نظیر اثر طرح به میزان ۲/۵، نرخ بی پاسخی به میزان ۱/۲۵ و مواردی دیگر نظیر ورود اجتناب‌ناپذیر پرسش‌نامه‌های دارای خطا حجم نمونه از ۹۶۰ نمونه به ۱۲۰۰ نمونه افزایش یافت. از این‌رو، از خوشه اول تعداد ۸۲۰ نمونه و از خوشه دوم نیز تعداد ۳۸۰ نمونه گرفته شدند. پس از تعیین حجم نمونه و اختصاص متناسب آن به هر یک از مناطق، از بین بلوک‌های ساختمانی هر منطقه تعداد ۴ بلوک که بیشترین جمعیت را به خود اختصاص داده بودند انتخاب شدند. شیوه انتخاب هر یک از منازل نیز با استفاده از روش تصادفی سیستماتیک صورت گرفت. به گونه‌ای که در ابتدا تعداد زنگ‌های هر بلوک (که به عنوان نماینده یک واحد مسکونی در نظر گرفته شده است) شمارش شده و عدد به دست آمده بر تعداد پرسشنامه‌های اختصاص یافته به آن بلوک تقسیم شده تا به این ترتیب فاصله زنگ‌هایی که باید به آن‌ها مراجعه شود تعیین گردد.

در این مطالعه به منظور شناسایی عوامل تبیین‌کننده امید به آینده از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. بر اساس نتایج به دست آمده، تعداد ۴ عامل اعتماد عمومی^۲، اعتماد سازمانی^۳،

۱. بر اساس این خوشه‌بندی مناطق ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۴ در خوشه یکم (مناطق کم برخوردار و نیمه برخوردار) و مناطق ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱ نیز در خوشه‌ی دوم (مناطق برخوردار و خیلی برخوردار) قرار گرفتند.

۲. برای سنجش اعتماد عمومی از ۲ گویه اعتماد به خانواده و اعتماد به همسایه‌ها استفاده شد.

۳. اعتماد سازمانی با بررسی میزان اعتماد پاسخگویان به نهادهایی مثل مجلس، اعتماد به شوراها، اعتماد به شهرداری، اعتماد به مطبوعات و روزنامه‌ها، اعتماد به دولت (قوه مجریه)، اعتماد به نیروی انتظامی و با استفاده از ۱۰ گویه مورد سنجش قرار گرفت.

احساس ناامنی اقتصادی-اجتماعی^۱ و احساس ناامنی روانی^۲ برای تبیین متغیر امید به آینده شناسایی شدند. به منظور بررسی اعتبار تحلیل عاملی از شاخص کفایت حجم نمونه^۳ و آزمون بارتلت^۴ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است.^۵ مقدار شاخص کفایت حجم نمونه، برابر ۰/۸۷۴ به دست آمد که مقدار بسیار خوبی برای نیکویی برازش تحلیل عاملی است و استفاده از آن را تأیید می نماید. از سوی دیگر مقدار آماره آزمون بارتلت نیز برابر با ۱۷۷۸۳/۶۲۶ به دست آمد که با توجه به $P\text{-Value} < 0/001$ ، معنی داری این آزمون و کفایت مدل بر این اساس مورد تأیید قرار می گیرد.

جدول ۱: شاخص کفایت حجم نمونه و آزمون بارتلت عوامل سازنده پرسشنامه

۰/۸۷۴	شاخص کفایت حجم نمونه
۱۷۷۸۳/۶۲۶	آزمون بارتلت
۳۹	درجه آزادی
$0/001 <$	سطح معنی داری

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که متغیر «اعتماد به خانواده» دارای بیشترین بارعاملی (۰/۵۵۲) و متغیر «اعتماد به همسایه ها» کمترین بار عاملی (۰/۵۰۸) را در تبیین عامل اعتماد عمومی داشته اند. همچنین متغیر «اعتماد به مجلس» بیشترین بارعاملی (۰/۷۱۱) و متغیر «اعتماد

۱. برای سنجش احساس ناامنی اقتصادی-اجتماعی از ۱۵ گویه استفاده شد. برخی از گویه های مورد استفاده عبارتند از: احساس ناامنی در خصوص نداشتن درآمد ثابت، پیدا نکردن شغل در صورت از دست دادن شغل فعلی، نداشتن شغل پر درآمد، از این که بچه/بچه هایم در آینده تنها شوند نگرانم و از اینکه بچه ام/بچه هایم با افراد غریبه رفت و آمد داشته باشند نگرانم.

۲. برای سنجش احساس ناامنی روانی از ۴ گویه استفاده شد. گویه ها عبارتند از: هر وقت به زندگی خودم فکر می کنم دچار استرس می شوم، سر و صدای بچه ها من را عصبانی می کند، این روزها نحوه رفتار مردم با همدیگر ملال آور است و من را دچار استرس می کند و این روزها نحوه رفتار دیگران من را عصبانی می کند.

3. KMO

4. Bartlett's Test of Sphericity Approx

۵. این شاخص نشان می دهد که آیا تعداد داده های نمونه برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر.

به بازار» کمترین بارعاملی (۰/۴۲۷) را در تبیین عامل اعتماد سازمانی داشته‌اند. در تبیین عامل احساس ناامنی اقتصادی- اجتماعی نیز متغیر «احساس ناامنی از نداشتن درآمد ثابت» بیشترین بارعاملی (۰/۶۹۲) و متغیر «احساس نگرانی نسبت به شنیدن اخبار مربوط به جرم و جنایت در جامعه» کمترین بارعاملی (۰/۴۶۰) را داشته‌اند. در تبیین عامل احساس ناامنی روانی (۰/۵۷۶) نیز نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که گویه «هر وقت به زندگی خودم فکر می‌کنم دچار استرس می‌شوم» بیشترین بارعاملی و گویه «این روزها نحوه رفتار دیگران من را عصبانی می‌کند» کمترین بارعاملی (۰/۴۶۸) را در تبیین عامل ناامنی روانی داشته‌اند. همچنین در خصوص شناسایی عوامل سازنده متغیر امید به آینده، به عنوان متغیر وابسته^۱ در این پژوهش، نتایج تحلیل عاملی اکتشافی بیان‌گر آن است که در بین پنج گویه تعریف شده برای سنجش متغیر امید به آینده گویه «امید به بهتر شدن توان مالی طی سه سال آینده» دارای بیشترین بارعاملی (۰/۷۵۰) و گویه «امید به افزایش احساس رضایت از زندگی طی سه سال آینده» کمترین بارعاملی (۰/۶۶۹) را در تبیین شاخص امید به آینده دارند. با ارسال پرسشنامه به ۱۰ نفر از صاحب‌نظران حوزه علوم اجتماعی روایی آن تأیید و با توجه به مقادیر ضرایب آلفای کرونباخ که حداقل آن ۰/۷۴۴ می‌باشد پایایی پرسشنامه نیز تأیید شد. همچنین برای انجام آزمون‌های آماری مثل همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری از نرم افزار ای‌موس^۲ استفاده شد.

یافته‌ها

از ۱۲۰۰ نفری که جامعه آماری این مطالعه را تشکیل داده‌اند ۶۱۰ نفر زن (۵۰/۸ درصد) و ۵۹۰ نفر مرد (۴۹/۲ درصد) بودند. بر اساس خوشه‌بندی صورت‌گرفته ۶۸/۳۳ درصد از پاسخگویان در خوشه اول، یعنی مناطق کم‌برخوردار و نیمه‌برخوردار، و ۳۱/۶۶ درصد نیز در خوشه دوم، یعنی مناطق برخوردار و کاملاً برخوردار قرار گرفتند. از نظر ساختار سنی بالاترین درصد مربوط به پاسخگویان ۳۹-۳۰ ساله (با ۴۰/۸ درصد) و پس از آن مربوط به گروه‌های سنی ۴۹-۴۰ ساله

۱. متغیر امید به آینده با استفاده از ۵ گویه مورد سنجش قرار گرفت. در این گویه‌ها با استفاده از طیف لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) نظر پاسخگویان در خصوص امید به بهتر شدن وضعیت آن‌ها در خصوص توان مالی، دنبال کردن اهداف زندگی، کیفیت زندگی، احتمال پیش آمدن فرصت‌های شغلی و افزایش رضایت از زندگی طی سه سال آینده مورد پرسش قرار گرفت.

و ۲۹-۲۰ ساله (به ترتیب با ۲۹/۳ و ۱۹/۹ درصد) است. کمترین درصد مربوط به زنان کمتر از ۲۰ سال (با ۰/۴ درصد) است^۱. بنابراین، ۹۰ درصد پاسخگویان در فاصله سنی ۲۰-۴۹ سال قرار دارند. همچنین از نظر سطح تحصیلات، ۵۲ درصد از کل پاسخگویان مورد بررسی حداکثر ۱۲ سال تجربه تحصیل داشته‌اند (تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم)، ۳۵/۹ درصد نیز حداکثر ۱۶ سال تجربه تحصیل داشته‌اند (تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس) و تقریباً ۱۲/۱ درصد از پاسخگویان حداقل ۱۸ و حداکثر ۲۲ سال تجربه تحصیل (تحصیلات فوق لیسانس و دکترا) داشته‌اند.

بر اساس نتایج به دست آمده، سطح اعتماد عمومی در بین ۱/۶ درصد از پاسخگویان کم، ۳۴/۶ درصد متوسط و ۶۳/۸ درصد در حد زیاد است. سطح اعتماد سازمانی در بین ۳۷/۸ درصد از پاسخگویان کم و ۵۴/۹ درصد در حد متوسط است. و تنها ۷/۳ درصد از پاسخگویان اعتماد زیادی به نهادها و سازمانی‌های فوق دارند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که میزان احساس ناامنی اقتصادی-اجتماعی در بین ۳ درصد از پاسخگویان کم و ۳۱/۶ درصد در حد متوسط است. همچنین ۶۵/۳ درصد از پاسخگویان احساس ناامنی اقتصادی-اجتماعی بالایی دارند. میزان احساس ناامنی روانی در بین ۳۷/۵ درصد از پاسخگویان کم، ۴۴/۴ درصد متوسط و ۱۸/۱ درصد از پاسخگویان احساس ناامنی روانی زیادی دارند.

در خصوص توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس میزان امیدواری آن‌ها نسبت به آینده، در رابطه با دنبال کردن اهدافی که قصد دارند در زندگی دنبال کنند، یافته‌های توصیفی بیان‌گر آن است که ۱۴ درصد از پاسخگویان امید کمی نسبت به بهتر شدن وضعیت در آینده دارند، ۴۷/۸ درصد آن‌ها امید به آینده‌اشان در حد متوسط است و ۳۸/۲ درصد از پاسخگویان امید بالایی نسبت به بهبود وضعیت در آینده دارند. نتایج به دست آمده در رابطه با میزان امید به آینده پاسخگویان، در خصوص احتمال پیش آمدن فرصت‌های شغلی، نشان می‌دهد که ۲۲/۵ درصد از پاسخگویان امید کمی نسبت به بهتر شدن وضعیت در آینده دارند، ۴۸/۵ درصد آن‌ها امید به آینده‌اشان در حد متوسط است و ۲۹ درصد از پاسخگویان امید بالایی نسبت به بهبود وضعیت در آینده دارند. همچنین توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس میزان امیدواری آن‌ها نسبت به آینده در رابطه با بهبود توان مالی، نشان می‌دهد که ۲۰/۱ درصد از پاسخگویان امید کمی نسبت

۱. با توجه به جامعه آماری تعیین شده در این مطالعه، مردان زیر ۲۰ سال مورد مطالعه قرار نگرفتند.

به بهتر شدن توان مالی در آینده دارند، ۴۵/۸ درصد آن‌ها امید به آینده‌اشان در حد متوسط است و ۳۴/۱ درصد از پاسخگویان امید بالایی نسبت به بهبود توان مالی‌اشان در آینده دارند. نتایج به دست آمده بر اساس میزان امیدواری پاسخگویان در رابطه با بهبود کیفیت زندگی‌اشان در آینده، بیان‌گر آن است که ۱۵/۴ درصد از پاسخگویان از امیدواری کمی نسبت به بهتر شدن کیفیت زندگی‌اشان در آینده برخوردارند. امید به آینده ۴۲/۳ درصد از آن‌ها در حد متوسط بوده و ۴۲/۳ درصد نیز امید زیادی نسبت به بهتر شدن کیفیت زندگی‌شان در آینده دارند. توزیع درصدی پاسخگویان نیز بر اساس میزان امیدواری آن‌ها در رابطه با افزایش رضایت از زندگی در آینده، نشان می‌دهد که ۱۲/۷ درصد از پاسخگویان امیدواری کمی نسبت به افزایش رضایت در زندگی‌شان دارند، ۴۰/۲ درصد آن‌ها امید به آینده‌شان در حد متوسط است و ۴۷ درصد از پاسخگویان امید زیادی نسبت به افزایش رضایت در زندگی‌شان طی سه سال آینده دارند. جدول ۲، نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر امید به آینده و متغیرهای منتخب را نشان می‌دهد. هدف از آزمون همبستگی پیرسون تأیید ارتباط معنی‌دار بین متغیرهای منتخب و گویه‌های سازنده متغیر امید به آینده است. بر اساس نتایج مندرج در این جدول می‌توان گفت که میان بسیاری از متغیرهای منتخب و گویه‌های سازنده متغیر امید به آینده ارتباطی معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۲: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر امید به آینده و متغیرهای منتخب

متغیرها	سن پانصدگویی	تعداد سال‌های تحصیل	تعداد فرزندان	استفاده از اینترنت	هزینه‌های ماهیانه	نامنی اقتصادی و اجتماعی	نامنی روانی	اعتماد سازمانی	اعتماد عمومی	گویه اول	گویه دوم	گویه سوم	گویه چهارم	گویه پنجم
سن پانصدگویی	۰/۱۴۲**	۰/۶۳۹**	۰/۲۰۰**	۰/۰۰۶	۰/۰۳۲	۰/۰۰۵	۰/۰۶۵*	۰/۰۷۲*	۰/۱۶۲**	۰/۱۴۱**	۰/۱۹۸**	۰/۱۷۳**	۰/۰۸۷**	
تعداد سال‌های تحصیل	۰/۱۴۲**	۰/۳۵۸**	۰/۴۱۷**	۰/۰۴۲	۰/۱۲۴**	۰/۱۷۶**	۰/۱۱۳**	۰/۰۹۱**	۰/۲۱۱**	۰/۱۹۰**	۰/۲۱۶**	۰/۱۷۵**	۰/۰۶۰*	
تعداد فرزندان	۰/۶۳۹**	۰/۳۵۸**	۰/۳۲۴**	۰/۰۶۵*	۰/۰۴۹	۰/۰۶۰*	۰/۱۴۴**	۰/۱۱۴**	۰/۱۷۲**	۰/۱۹۲**	۰/۲۱۶**	۰/۱۷۱**	۰/۱۳۶**	
استفاده از اینترنت	۰/۰۰۶	۰/۰۴۲	۰/۳۲۴**	۰/۱۰۵**	۰/۰۴۷	۰/۰۴۷	۰/۰۷۷*	۰/۲۱۵**	۰/۱۴۳**	۰/۱۳۰**	۰/۱۳۷**	۰/۱۲۴**	۰/۱۴۵*	
هزینه‌های ماهیانه	۰/۰۰۶	۰/۰۴۲	۰/۱۰۵**	۰/۰۶۵*	۰/۰۰۶	۰/۰۲۲	۰/۰۰۹	۰/۱۴۱**	۰/۰۱۲	۰/۰۲۵	۰/۰۲۵	۰/۰۶۸*	۰/۰۳۲	
نامنی اقتصادی و اجتماعی	۰/۰۳۲	۰/۱۲۴**	۰/۰۴۹	۰/۰۴۷	۰/۰۰۶	۰/۰۳۹**	۰/۱۰۷**	۰/۰۵۵	۰/۱۵۴**	۰/۰۲۱	۰/۰۷۱*	۰/۱۹۴**	۰/۱۸۴**	
نامنی روانی	۰/۰۰۵	۰/۱۷۶**	۰/۰۶۰*	۰/۰۴۷	۰/۰۲۲	۰/۳۳۹**	۰/۰۶۱*	۰/۲۶۱**	۰/۱۶۵**	۰/۱۲۵**	۰/۰۶۱**	۰/۲۰۴**	۰/۱۳۳**	
اعتماد سازمانی	۰/۰۶۵*	۰/۱۱۳**	۰/۱۴۴**	۰/۰۷۷*	۰/۰۰۹	۰/۱۰۷*	۰/۰۶۱*	۰/۲۳۳**	۰/۱۳۵**	۰/۱۰۵**	۰/۱۳۷**	۰/۱۳۱**	۰/۰۸۲**	
اعتماد عمومی	۰/۰۷۲*	۰/۰۹۱**	۰/۱۱۴**	۰/۲۱۵**	۰/۱۴۱**	۰/۰۵۵	۰/۲۶۱**	۰/۲۳۳**	۰/۰۸۲**	۰/۰۶۹*	۰/۰۹۳**	۰/۱۰۹**	۰/۰۷۶**	
گویه اول ^۱	۰/۱۶۲**	۰/۲۱۱**	۰/۱۷۳**	۰/۱۴۳**	۰/۰۱۲	۰/۱۵۴**	۰/۱۶۵**	۰/۱۳۵**	۰/۰۸۲**	۱	۰/۶۴۹**	۰/۶۸۳**	۰/۶۹۰**	۰/۳۵۶**
گویه دوم ^۲	۰/۱۴۱**	۰/۱۹۰**	۰/۱۹۲**	۰/۱۳۰**	۰/۰۲۵	۰/۰۲۱	۰/۱۲۵**	۰/۱۰۵**	۰/۰۶۹*	۱	۰/۶۷۳**	۰/۶۳۰**	۰/۳۱۷**	
گویه سوم ^۳	۰/۱۹۸**	۰/۲۱۶**	۰/۲۱۶**	۰/۱۳۷**	۰/۰۲۵	۰/۰۷۱*	۰/۱۶۱**	۰/۱۳۷**	۰/۰۹۳**	۰/۰۶۹*	۱	۰/۷۳۳**	۰/۷۳۵**	۰/۳۶۶**
گویه چهارم ^۴	۰/۱۷۳**	۰/۱۷۵**	۰/۱۷۱**	۰/۱۲۴**	۰/۰۶۸*	۰/۱۹۴**	۰/۲۰۴**	۰/۱۳۱**	۰/۱۰۹**	۰/۰۶۹*	۱	۰/۷۳۵**	۰/۶۴۳**	
گویه پنجم ^۵	۰/۰۸۷**	۰/۰۶۰*	۰/۱۲۶**	۰/۰۶۵*	۰/۰۳۲	۰/۱۸۴**	۰/۱۳۳**	۰/۰۸۲**	۰/۰۷۶**	۰/۳۵۶**	۰/۳۱۷**	۰/۳۶۶**	۰/۴۶۳**	۱

* معنی داری در سطح ۵ درصد و ** معنی داری در سطح ۱ درصد است.

۱. تعداد ساعات مصرف اینترنت طی شبانه‌روز.

۲. امید به دنبال کردن اهداف زندگی طی سه سال آینده.

۳. امید به احتمال پیش آمدن فرصت‌های شغلی طی سه سال آینده.

۴. امید به بهبود توان مالی طی سه سال آینده.

۵. امید به بهبود کیفیت زندگی طی سه سال آینده.

۶. امید به افزایش رضایت از زندگی طی سه سال آینده.

جدول ۳، مقادیر نیکویی برازش مدل معادلات ساختاری امید به آینده را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول مقادیر بزرگ‌تر از ۰/۹ شاخص‌های AGFI و GFI، مقدار کمتر از ۰/۰۵ شاخص RMSEA و عدم معنی‌داری آزمون کای اسکوتر ($P\text{-Value} > ۰/۰۱$) نشان از نیکویی برازش مدل معادلات ساختاری مدل دارد.

جدول ۳: مقادیر نیکویی برازش مدل معادلات ساختاری امید به آینده

شاخص مدل	CFI	AGFI	GFI	RMSEA	DF	χ^2	χ^2/df
مقدار	۰/۹۹۰	۰/۹۷۳	۰/۹۹۰	۰/۰۳۲	۳۹	۸۷/۶۰۰	۲/۲۴۶

جدول ۴: نتایج تحلیل مدل معادلات ساختاری امید به آینده و متغیرهای منتخب

	برآورد	خطای	ناحیه بحرانی	P- مقدار	استاندارد شده	
					استاندارد	خطای
۱ سن	---< ناامنی اقتصادی- اجتماعی	۰/۰۰۹	۰/۰۰۳	۰/۲۳۲	۰/۸۱۶	
۲ سن	---< ناامنی روانی	-۰/۰۴۲	۰/۰۰۴	-۱/۱۴۲	۰/۲۵۳	
۳ سن	---< اعتماد سازمانی	-۰/۰۳۲	۰/۰۰۳	-۰/۸۵۲	۰/۳۹۴	
۴ سن	---< اعتماد عمومی	۰/۰۱۳	۰/۰۰۳	۰/۳۷۰	۰/۷۱۱	
۵ تعداد سال‌های تحصیل	---< ناامنی اقتصادی- اجتماعی	-۰/۱۳۰	۰/۰۰۶	-۳/۹۷۹	***	
۶ تعداد سال‌های تحصیل	---< ناامنی روانی	-۰/۲۲۰	۰/۰۰۹	-۰/۸۲۲	***	
۷ تعداد سال‌های تحصیل	---< اعتماد سازمانی	-۰/۰۶۰	۰/۰۰۷	-۱/۸۳۲	۰/۰۶۷	
۸ تعداد سال‌های تحصیل	---< اعتماد عمومی	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۰/۲۴۲	۰/۸۰۸	
۹ تعداد فرزندان	---< ناامنی اقتصادی- اجتماعی	-۰/۰۸۵	۰/۰۲۳	-۲/۱۵۵	۰/۰۳۱	
۱۰ تعداد فرزندان	---< ناامنی روانی	۰/۰۵۵	۰/۰۳۳	۱/۴۰۸	۰/۱۵۹	
۱۱ استفاده از اینترنت	---< اعتماد سازمانی	-۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	-۰/۴۴۴	۰/۶۵۷	
۱۲ استفاده از اینترنت	---< اعتماد عمومی	-۰/۱۹۰	۰/۰۱۲	-۱۶/۰۳۰	***	
۱۳ هزینه	---< ناامنی اقتصادی- اجتماعی	۰/۰۰۴	۰/۰۱۱	۰/۱۳۷	۰/۸۹۱	
۱۴ هزینه	---< ناامنی روانی	-۰/۰۲۰	۰/۰۱۵	-۰/۶۸۷	۰/۴۹۲	
۱۵ هزینه	---< اعتماد سازمانی	-۰/۰۰۴	۰/۰۱۳	-۰/۱۳۹	۰/۸۸۹	
۱۶ هزینه	---< اعتماد عمومی	۰/۱۱۷	۰/۰۱۲	۴/۱۴۷	***	
۱۷ تعداد فرزندان	---< اعتماد سازمانی	۰/۱۳۲	۰/۰۲۸	۳/۳۵۴	***	
۱۸ تعداد فرزندان	---< اعتماد عمومی	۰/۰۳۵	۰/۰۲۶	۰/۸۹۹	۰/۳۶۹	
۱۹ استفاده از اینترنت	---< ناامنی اقتصادی- اجتماعی	-۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	-۰/۳۴۰	۰/۷۳۴	
۲۰ استفاده از اینترنت	---< ناامنی روانی	۰/۱۴۴	۰/۰۱۶	۴/۵۳۱	***	
۲۱ اعتماد سازمانی	---< امید به آینده	۰/۱۵۷	۰/۰۲۶	۵/۳۱۸	***	

برآورد استاندارد شده	خطای استاندارد	ناحیه بحرانی	P- مقدار
۰/۰۹۹	۰/۰۳۰	۳/۱۸۸	۰/۰۰۱
-۰/۱۲۵	۰/۰۲۴	-۳/۹۵۶	***
-۰/۰۶۰	۰/۰۳۳	-۱/۹۹۲	۰/۰۴۶
-۰/۱۳۵	۰/۰۰۳	-۳/۶۹۸	***
۰/۱۴۹	۰/۰۰۷	۴/۵۰۹	***
-۰/۰۸۷	۰/۰۲۵	-۲/۲۲۰	۰/۰۲۶
۰/۰۷۵	۰/۰۱۲	۲/۳۱۰	۰/۰۲۱
-۰/۰۴۳	۰/۰۱۲	-۱/۴۹۲	۰/۱۳۶
۰/۷۹۸	-		
۰/۷۷۲	۰/۰۳۹	۲۸/۳۲۰	***
۰/۸۵۸	۰/۰۳۸	۳۱/۳۱۷	***
۰/۸۵۷	۰/۰۳۷	۳۱/۰۹۳	***
۰/۴۳۵	۰/۰۷۶	۱۴/۳۷۸	***
---	امید به آینده (گویه اول)		
---	امید به آینده (گویه دوم)		
---	امید به آینده (گویه سوم)		
---	امید به آینده (گویه چهارم)		
---	امید به آینده (گویه پنجم)		
۲۲	اعتماد عمومی		
۲۳	ناامنی روانی		
۲۴	ناامنی اقتصادی- اجتماعی		
۲۵	سن		
۲۶	تعداد سال‌های تحصیل		
۲۷	تعداد فرزندان		
۲۸	استفاده از اینترنت		
۲۹	هزینه		
۳۰	امید به آینده		
۳۱	امید به آینده		
۳۲	امید به آینده		
۳۳	امید به آینده		
۳۴	امید به آینده		

* معنی‌داری در سطح ۵ درصد و ** معنی‌داری در سطح ۱ درصد است.

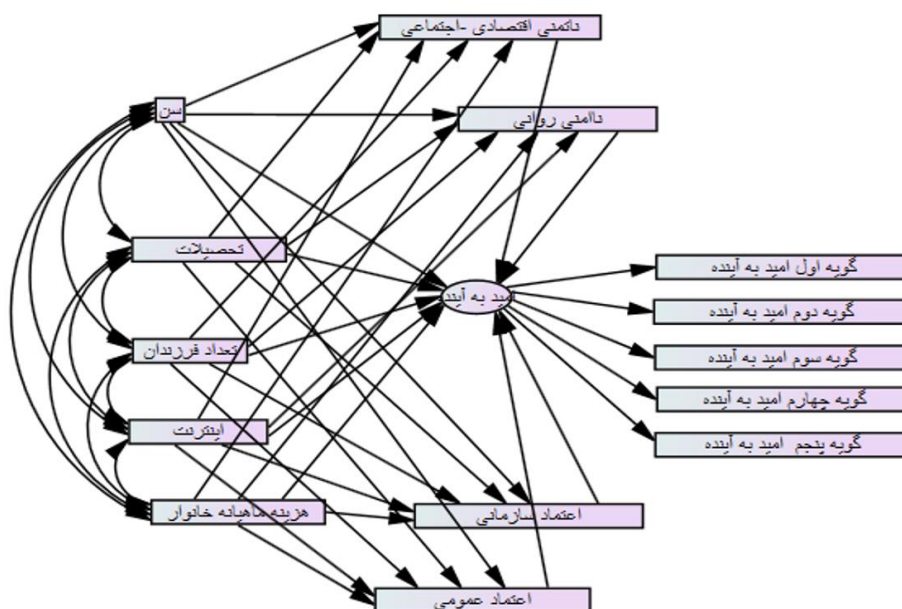
بر اساس نتایج مندرج در جدول ۴ می‌توان گفت که متغیرهای تعداد سال‌های تحصیل و تعداد فرزندان در حال حاضر زنده پاسخگویان در میزان تغییرات متغیرهای احساس ناامنی اقتصادی-اجتماعی و ناامنی روانی اثر گذار بوده‌اند. به گونه‌ای که با افزایش تعداد سال‌های تحصیل، احساس ناامنی اقتصادی-اجتماعی و همچنین احساس ناامنی روانی پاسخگویان کاهش می‌یابد. همچنین بین میزان استفاده از اینترنت، متغیرهای اعتماد عمومی و احساس ناامنی روانی رابطه وجود دارد؛ به طوری که با افزایش استفاده از اینترنت، اعتماد عمومی و احساس ناامنی روانی پاسخگویان به ترتیب کاهش و افزایش می‌یابد.

نتایج جدول مذکور حکایت از اثرگذاری متغیر تعداد فرزندان در حال حاضر زنده بر متغیرهای احساس ناامنی اقتصادی-اجتماعی و اعتماد سازمانی پاسخگویان دارد. چرا که با افزایش تعداد فرزندان در حال حاضر زنده، احساس ناامنی اقتصادی-اجتماعی و اعتماد سازمانی پاسخگویان به ترتیب کاهش و افزایش می‌یابد. علاوه بر این نتایج این جدول بیان‌گر آن است که با افزایش هزینه‌های خانواده، اعتماد عمومی پاسخگویان افزایش می‌یابد.

در خصوص نحوه اثرگذاری متغیرهای مطالعه شده بر متغیر امید به آینده نیز نتایج جدول ۴

حکایت از اثرگذاری متغیرهای سن، تعداد سال‌های تحصیل پاسخگویان و همچنین متغیرهای اعتماد سازمانی و احساس ناامنی روانی بر افزایش و یا کاهش امید به آینده دارد. بر اساس نتایج جدول ۴ می‌توان گفت که با افزایش سن پاسخگویان، امید به آینده آن‌ها کاهش می‌یابد. با افزایش تعداد سال‌های تحصیل پاسخگویان، امید به آینده آن‌ها افزایش می‌یابد. با افزایش اعتماد سازمانی، امید به آینده پاسخگویان افزایش می‌یابد. با افزایش احساس ناامنی روانی، امید به آینده پاسخگویان کاهش می‌یابد. با افزایش تعداد فرزندان در حال حاضر زنده، امید به آینده پاسخگویان کاهش می‌یابد و با افزایش استفاده از اینترنت، امید به آینده پاسخگویان افزایش می‌یابد. نمودار ۲، نمودار نظری معادلات ساختاری امید به آینده و متغیرهای منتخب را نشان می‌دهد.

نمودار ۲: نمودار نظری معادلات ساختاری امید به آینده و متغیرهای منتخب



بحث و نتیجه‌گیری

در پرتو دو رویکرد و استدلال نظری، تحلیل و تفسیر جمعیت‌شناختی یافته‌های پژوهش میسر است. نخستین رویکرد، رویکردی است که درصدد تأکید بر کیفیت جمعیت به جای کمیت آن است. بر اساس این رویکرد می‌توان گفت که افزایش احساس ناامنی روانی در جامعه بر پویایی

و ارتقای بازدهی گروه‌های سنی مختلف اثرات مثبتی را دارد. در همین رابطه مشاهده شد که با افزایش احساس ناامنی روانی در بین پاسخگویان امید به آینده آن‌ها کاهش می‌یابد. به عبارتی دیگر، پاسخگویان احساس می‌کنند که بستر و ظرفیت روانی و ذهنی مناسبی برای تحقق انتظارات آن‌ها وجود ندارد و لذا امید به آینده آن‌ها کاهش یافته است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که با ارتقای احساس امنیت روانی در جامعه زمینه‌های دستیابی به یک جمعیت با کیفیت فراهم شود. در همین رابطه دیدیم که با افزایش تعداد سال‌های تحصیل در بین پاسخگویان، احساس امنیت روانی آن‌ها نیز کاهش می‌یابد. در تحلیل این یافته نیز می‌توان به خطرات و پیامدهای جمعیتی افزایش احساس ناامنی روانی در بین افراد تحصیل کرده و به دنبال آن کاهش ظرفیت آرزومندی در این قشر از جامعه اشاره کرد. توجه به این نکته که جامعه مورد مطالعه در این پژوهش متأهلین شهر تهران بوده‌اند اهمیت این یافته را نمایان می‌سازد. چرا که زوجینی که احساس ناامنی روانی داشته باشند امکان تصمیم‌گیری در ابعاد مختلف زندگی‌شان مثل فرزندآوری را ندارند و پیامد اجتناب‌ناپذیر این شرایط می‌تواند منجر به کاهش نرخ باروری و دور شدن پدیده‌های جمعیتی از یک تعادل و نظم درونی باشد. بر اساس این رویکرد می‌توان گفت که افراد تحصیل کرده به عنوان مهم‌ترین نیروی محرک جمعیتی باید از ظرفیت آرزومندی بالایی برخوردار باشند.

برخورداری جامعه از امنیت اقتصادی-اجتماعی یکی دیگر از مؤلفه‌های اثر گذار بر کیفیت جمعیت است. به عبارتی دیگر، جامعه‌ای که از امنیت اقتصادی-اجتماعی لازم برخوردار نباشد باید در کیفیت و مطلوبیت فعل و انفعالات جمعیتی آن تردید کرد. در همین رابطه نتایج این پژوهش نشان داد که با افزایش احساس ناامنی اقتصادی-اجتماعی، امید به آینده پاسخگویان مورد مطالعه کاهش می‌یابد. بنابراین، می‌توان گفت که خانواده‌هایی که از ناامنی اقتصادی-اجتماعی و ناامیدی نسبت به آینده رنج می‌برند نمی‌توانند کارکردهای بنیادین خود از قبیل تجدید نسل، جامعه‌پذیری و تربیت فرزندان خود را با کیفیت لازم انجام دهند.

رویکرد بعدی که در تحلیل و تفسیر جمعیت‌شناختی یافته‌های این پژوهش کاربرد دارد توجه به بحث متابولیسم اجتماعی و جمعیتی است. وقتی که صحبت از متابولیسم اجتماعی و جمعیتی به میان می‌آید باید این سؤال را مطرح کرد که نهادهای عمومی در جامعه چقدر توانسته‌اند وظایف و کارکردهای ذاتی و متعارف خود را محقق نمایند. در این مطالعه میزان

موفقیت و یا عدم موفقیت نهادهای عمومی با مراجعه به نگرش پاسخگویان در رابطه با شاخص اعتماد سازمانی مورد ارزیابی قرار گرفت. بر اساس نتایج به دست آمده، سطح اعتماد سازمانی در بین ۳۷/۸ درصد از پاسخگویان کم و ۵۴/۹ درصد در حد متوسط است. و تنها ۷/۳ درصد از پاسخگویان اعتماد زیادی به نهادها و سازمانی‌های فوق دارند. از سوی دیگر نتایج به دست آمده در مدل تحلیلی معادلات ساختاری بیانگر آن است که با افزایش اعتماد سازمانی و اعتماد عمومی، امید به آینده پاسخگویان افزایش می‌یابد. بنابراین، می‌توان گفت که با تقویت دو شاخص اعتماد سازمانی و عمومی می‌توان به ارتقای سطح کمی و کیفی متابولیسم اجتماعی در ایران امیدوار شد. چرا که در خلال پایداری متابولیسم اجتماعی است که زمینه‌های استفاده از ظرفیت‌های موجود در ساختار جمعیت جوان کشور فراهم می‌شود و آن‌چنان که موران (۲۰۰۸) و سیفرل (۲۰۱۱) تأکید دارند ارتقای سطح کمی و کیفی متابولیسم اجتماعی و جمعیتی نیز میسر می‌شود.

همچنین متغیر سن، یکی دیگر از متغیرهای تأثیر گذار بر امید به آینده در این مطالعه بود. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که با افزایش سن پاسخگویان، امید به آینده آن‌ها کاهش می‌یابد. معنای این سخن آن است که خانواده‌های تهرانی در طول زندگی خود شاهد تجارب زیسته مثبت و امیدوار کننده‌ای نبوده‌اند و در ارزیابی آینده وضعیت گذشته و حال خود را دخیل نموده‌اند. تداوم این وضعیت می‌تواند منجر به شکل‌گیری فرهنگ ناامیدی و اشاعه آن در بین قشر جوان و نوجوان جامعه شود. وقتی که افراد میانسال و سالمند جامعه تجارب زیسته منفی و ناامید کننده خود را با نسل‌های جدید به اشتراک بگذارند این احساس ناامیدی به نسل‌های بعدی سرایت می‌کند. پیامد نگران‌کننده چنین وضعیتی می‌تواند تبعات سیاسی نیز برای جامعه به دنبال داشته باشد و نسل‌های بعدی را به سمت تغییرات رادیکال‌محور و ساختارشکن سوق دهد. چنین است که گفته می‌شود در جامعه ایران، بیم از آینده همانند امیده به آینده تا حدودی ریشه در واقعیت‌های تلخ، شکست‌ها، جنگ‌ها، بیماری‌ها و مسائل اجتماعی دارند و تا حدودی نیز بخشی از تخیل فرهنگی ما هستند (فاضلی، ۱۳۹۶: ۱۸). بنابراین، می‌توان از یک نوع تجربه زیسته مشترک سخن گفت که برآمده از یک فرایند تاریخی است. این تجربه مشترک در سطح کلان و در بُعد

ذهنی آن بر ارتباط بین حافظه جمعی^۱ کنشگران و پنداشت از آینده اثرگذار است.^۲ در همین رابطه گیدنز معتقد است که عاملیت و ساختار دو روی یک سکه‌اند و ضمن داشتن رابطه متقابل دیالکتیکی به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر در فعالیت‌ها یا عملکردهای جاری بشری در هم تنیده‌اند. برای همین است که وی قضیه رابطه عاملیت و ساختار را به شیوه‌ای تاریخی، فرایندی و پویا در نظر می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۸۸: ۶۶۰).

مشاهده کردیم که یکی دیگر از متغیرهای جمعیتی که در این مطالعه بر امید به آینده اثر گذاشت، متغیر تعداد فرزندان در حال حاضر زنده بود. در همین رابطه نتایج به‌دست آمده نشان داد که با افزایش تعداد فرزندان در حال حاضر زنده، امید به آینده پاسخگویان کاهش می‌یابد. معنای این یافته آن است که لازم است سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به تدوین و اجرای سیاست‌های هوشمندانه‌ای اقدام کنند که افزایش تعداد فرزندان در بین خانواده‌ها منجر به عدم تحقق سطح انتظارات و آرزوهای آن‌ها و به دنبال آن ناامید شدن از آینده نشود. چرا که اگر خانواده‌هایی که درصدد افزایش تعداد فرزندان هستند نتوانند چشم‌اندازهای مثبتی را برای خود ترسیم کنند، نه‌تنها از تصمیمات جدید برای فرزندآوری اجتناب می‌کنند که کیفیت زندگی و پایداری خانواده‌ها با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. در پایان می‌توان گفت که برابند کلی این شرایط می‌تواند منحرف شدن رفتارهای جمعیتی از حالت متعادل و به‌دنبال آن پروبلماتیک شدن سطح کمی و کیفی متابولیسم جمعیتی باشد.

لازم به ذکر است که در تحلیل نتایج به‌دست آمده ضروری است اصل نسبیت ارزشی-هنجاری^۳ را در علوم اجتماعی در نظر گرفت. نسبیت هنجاری بیان‌گر آن است که فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های مختلف واجد نظام‌های ارزشی مختلف‌اند و لذا علوم اجتماعی می‌باید برای

1. Collective Memory

۲. حافظه جمعی که گاه آن را حافظه تاریخی نیز می‌خوانیم، نمودار یا تجلی گذشته مشترکی است که گروه یا جماعتی را به گونه‌ای به یکدیگر پیوند می‌دهد. هر گروه یا جماعت انسانی در این گذشته مشترک نه تنها در پی یافتن ریشه، هویت و پیوندی جمعی است، بلکه در پی یافتن و پرداختن آن گذشته مشترک به طرح چشم‌اندازی از آینده خود نیز می‌باشند. در پردازش حافظه جمعی یا تاریخی، نقش مهم خاطره فرهنگی را باید در نظر گرفت. خاطره فرهنگی، حافظه جمعی را سامان می‌دهد و آینده را می‌فهماند. بنابراین حافظه جمعی یا تاریخی گستره وسیع‌تری را در برمی‌گیرد که خاطره فرهنگی هم به عنوان زیرمجموعه آن نقش‌آفرین است.

3. Normative-Value Relativism

هر گروه فرهنگی پرونده مستقلی باز کند و هنجارها و ارزش‌هایی را که در بُن رفتار آن گروه است جداگانه مورد مطالعه قرار دهد (لیتل، ۱۳۸۵: ۳۴۲). به بیانی دیگر، با توجه به تنوع ارزشی و نگرشی^۱ در جامعه نمی‌توان تئوری‌ها و معیارهای عام و مشترک را برای تحلیل هنجارها و رفتارهای مختلف اجتماعی ارائه داد. بنابراین، در خصوص چرایی و نحوه اثرگذاری متغیرهای مورد بررسی نمی‌توان با قطعیت به استدلال پرداخت و تبیین نظری این روابط نیازمند بررسی و پژوهش‌های بیشتر است. با این وجود، ممکن است توضیحاتی که در ادامه می‌آید بتواند به درک نحوه اثرگذاری متغیرهایی مثل تعداد فرزندان در حال حاضر زنده بر متغیرهای احساس ناامنی اقتصادی- اجتماعی و اعتماد سازمانی کمک کند. در این خصوص شاید بتوان گفت که با افزایش تعداد فرزندان حساسیت خانواده‌ها نسبت به پی‌گیری اخبار و رویدادهای اجتماعی کم‌رنگ می‌شود و لذا خانواده‌هایی که فرزند بیشتری دارند در مقایسه با سایر گروه‌های اجتماعی از احساس ناامنی اقتصادی- اجتماعی کمتری برخوردارند. همچنین با توجه به این‌که این قشر از جامعه به‌طور سنتی در ارزیابی عملکرد دولت و سازمان‌های دولتی به شاخص‌هایی مثل حکمرانی مشارکتی توجه کمتری دارند لذا در ارزیابی نهادهای عمومی تمایلی به اتخاذ رویکردهای انتقادی و مطالبه‌گر ندارند.

منابع

- اشرف، احمد (۱۳۵۹). موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه، تهران: نشر زمینه.
- افشانی، سید علیرضا و زینب جعفری (۱۳۹۵)، رابطه سرمایه اجتماعی و امید به آینده در بین دانشجویان دانشگاه یزد، فصلنامه علوم/ اجتماعی، سال ۲۵، شماره ۷۳، صص ۹۲-۱۱۵.
- امیر، آرمین (۱۳۹۵). پنجره شکسته‌های رها شده (جستارهایی در سرمایه اجتماعی در ایران)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- امیرپناهی، محمد، محمد مالمیر و محسن شکریانی (۱۳۹۷). وضعیت‌سنجی امید اجتماعی در ایران (تحلیل ثانویه پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی)، پژوهشنامه مددکاری/ اجتماعی، سال ۲، شماره ۹، صص ۷۹-۱۰۶.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: نشر سمت.

- رفیعیان، مجتبی و محمد شالی (۱۳۹۱). تحلیل فضایی سطح توسعه یافتگی تهران به تفکیک مناطق شهری، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۶، شماره ۴، صص ۴۸-۲۵.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۹). مبانی انسان‌شناسی (گرد شهر با چراغ)، تهران: نشر عطار.
- ریتزر، جرج (۱۳۸۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۶). کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- صفری شالی، رضا و پویا طوفانی (۱۳۹۷). بررسی میزان امید به آینده و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان تهرانی، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۱۵۳-۱۱۵.
- صفری، بهروز (۱۳۹۰). نظریه آشفتگی و آشفتگی اجتماعی در ایران، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال ۵، شماره ۴، صص ۸۵-۶۲.
- عبدالهی، عادل (۱۳۹۵). بررسی تأثیر ابعاد اقتصادی- اجتماعی عقلا نیت و رفتار فرزندآوری در شهر تهران (طرح پژوهشی)، تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- عبدی، عباس (۱۳۹۵). ارزیابی از آینده (جستارهایی در سرمایه اجتماعی در ایران)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- عبدی، عباس و محسن گودرزی (۱۳۸۸). تحولات فرهنگی در ایران، تهران: نشر علم.
- علمداری، کاظم (۱۳۷۹). چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟، تهران: نشر توسعه.
- علیخواه، فردین و الناز رستمی (۱۳۸۹). مصرف رسانه‌ای و سبک زندگی (مطالعه‌ای در بین شهروندان شهر تنکابن). فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸، صص ۱۹-۱.
- علیزاده اقدم، محمدباقر (۱۳۹۱). بررسی میزان امید به آینده در بین دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۳، شماره ۴، صص ۲۰۶-۱۸۹.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۳)، سنجش سرمایه اجتماعی در ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، به سفارش مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۶). امید اجتماعی در ایران، از مشروطه تاکنون، دوماهنامه فرهنگی اجتماعی مروارید، سال ۶، شماره ۷، صص ۱۹-۱۲.
- فراسنخواه، مقصود (۱۳۸۹). درباره نیمرخ رفتار ایرانی (سنخ‌شناسی مدل‌ها)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۲۱-۳.
- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۷۱). در پیرامون خودمداری ایرانیان: رساله‌ای در روانشناسی اجتماعی مردم ایران، تهران: نشر اختران.

کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۸۱)، تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه مرتضی طیب، تهران: نشر نی.

مردانی‌فر، فهیمه، مصطفی ظهیری‌نیا و یاسر رستگار (۱۳۹۸). سرمایه اجتماعی و امید به آینده در میان دانشجویان (مطالعه دانشگاه‌های شهر بندرعباس، مجله مدیریت سرمایه اجتماعی، سال ۶، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۴).

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۶). گزارش آینده پژوهی ایران.

Bloch, E., & Plaice, N. (1986). *The principle of hope*, Vol. 3, pp. 1938-1947, Cambridge, MA: mit Press.

Frankl, V. E. (1985). *Man's search for meaning*. Simon and Schuster.

Fromm, E. (1968). *The Revolution of Hope. Toward a Humanized Technology*, New York (American Mental Health Foundation) 2010.

Jarymowicz, M., & Bar-Tal, D. (2006). The dominance of fear over hope in the life of individuals and collectives. *European Journal of Social Psychology*, 36(3): 367–392.

Lesthaeghe, R. (2010). The unfolding story of the second demographic transition. *Population and development review*, 36(2): 211-251.

Lybbert, T. J., & Wydick, B. (2018). Poverty, aspirations and the economics of Hope. *Economic Development and Cultural Change*, 66(4): 709–753.

Moran, E. F. (2008). *Human adaptability. An introduction to ecological Anthropology*, Boulder.

Petersen, A., & Wilkinson, I. (2015). Editorial introduction: The sociology of hope in contexts of health, medicine, and healthcare.

Ryder, N. B. (1965). *The cohort as a concept in the study of social change*, In Cohort analysis in social research (pp. 9-44). Springer, New York, NY.

Sieferle, R. P. (2011). Cultural evolution and social metabolism. *Geografiska Annaler: Series B, Human Geography*, 93(4): 315-324.

Van de Kaa, D. J. (2002). The idea of a second demographic transition in industrialized countries. *Birth*, 35, 45.

Demographic and Socioeconomic Factors Affecting Hope for the Future in Tehran

Adel Abdollahi*

Abstract

The investigation of factors that lead to increasing or decreasing hope for the future in a society is important. The present article seeks to investigate the demographic and socio-economic factors affecting hope for the future in Tehran. The sample of this study consists of 1200 married people (610 women and 590 men) living in Tehran. Data were collected using a questionnaire technique and multi-stage sampling method with proportional allocation in the second half of 2016. The results showed that with increasing age, the number of children, the feelings of socio-economic insecurity and psychological insecurity, hope for the future decreases. While, with the increase of organizational trust, the number of educational years and the general trust of the respondents, hope for the future increases. These results indicate that there is no suitable socio-economic and psychological context to meet the expectations of the respondents, especially for educated people and those who have more children, and therefore their hope for the future has decreased. Hence, we should have a doubt in the quality and sustainability of demographic phenomenon, when there is socio-economic and psychological insecurity in a society. And the general result of these conditions can be the deviation of population behaviors from a balance status and problematization of quality and quantity levels of population metabolism.

Keywords: Hope for the future, Organizational Trust, Public Trust, Insecurity Feeling, Tehranian Families.

* Assistant professor, Population Economic and Human Capital Department, National Population Studies & Comprehensive Management Institute, Tehran, Iran. E-mail: abdollahi1980@gmail.com; adel.abdollahi@psri.ac.ir.